**زندگینامه حضرت علی اكبر (ع)**  
  
حضرت علی اكبر (ع) فرزند ابی عبدالله الحسین (ع) بنا به روایتی در یازدهم شعبان، (1) سال43 قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر گرامی اش امام حسین بن علی بن ابی طالب (ع) و مادر محترمه اش لیلی بنت ابی مرّه بن عروه بن مسعود ثقفی است. (2)  
او از طایفه خوش نام و شریف بنی هاشم بود . و به بزرگانی چون پیامبر اسلام (ص)، حضرت فاطمه زهرا (س)، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) و امام حسین (ع) نسبت دارد .  
ابوالفرج اصفهانی از مغیره روایت كرد: روزی معاویه بن ابی سفیان به اطرافیان و هم نشینان خود گفت: به نظر شما سزاوارترین و شایسته ترین فرد امت به امر خلافت كیست؟ اطرافیان گفتند: جز تو كسی را سزاوارتر به امر خلافت نمی شناسیم! معاویه گفت: این چنین نیست.  
بلكه سزاوارترین فرد برای خلافت، علی بن الحسین (ع)است كه جدّش رسول خدا (ص) می باشد و در وی شجاعت و دلیری بنی هاشم، سخاوت بنی امیه و فخر و فخامت ثفیف تبلور یافته است. (3)  
نقل است روزی علی اكبر (ع) به نزد والی مدینه رفته و از طرف پدر بزرگوارشان پیغامی را خطاب به او میبرد، در آخر والی مدینه از علی اكبرسئوال كرد نام تو چیست؟ فرمود: علی سئوال نمود نام برادرت؟ فرمود: علی آن شخص عصبانی شد، و چند بار گفت: علی، علی، علی، « ما یُریدُ اَبُوك؟ » پدرت چه می خواهد، همه اش نام فرزندان را علی می گذارد، این پیغام را علی اكبر (ع) نزد اباعبدالله الحسین (ع) برد، ایشان فرمود : والله اگر پروردگار دهها فرزند پسر به من عنایت كند نام همه ی آنها را علی می گذارم و اگر دهها فرزند دختر به من عطا، نماید نام همه ی آنها را نیز فاطمه می گذارم.   
درباره شخصیت علی اكبر (ع) گفته شد، كه وی جوانی خوش چهره، زیبا، خوش زبان و دلیر بود و از جهت سیرت و خلق و خوی و صباحت رخسار، شبیه ترین مردم به پیامبر اكرم (ص) بود و شجاعت و رزمندگی را از جدش علی ابن ابی طالب (ع) به ارث برده و جامع كمالات، محامد و محاسن بود. (4)  
در روایتی به نقل از شیخ جعفر شوشتری در كتاب خصائص الحسینیه آمده است: اباعبدالله الحسین هنگامی كه علی اكبر را به میدان می فرستاد، به لشگر خطاب كرد و فرمود:  
« یا قوم، هولاءِ قد برز علیهم غلام، اَشبهُ الناس خَلقاً و خُلقاً و منطقاً برسول الله....... ای قوم، شما شاهد باشید، پسری را به میدان می فرستم، كه شبیه ترین مردم از نظر خلق و خوی و منطق به رسول الله (ص) است بدانید هر زمان ما دلمان برای رسول الله (ص) تنگ می شد نگاه به وجه این پسر می كردیم.  
بنا به نقل ابوالفرج اصفهانی، آن حضرت درعصر خلافت عثمان بن عفان (سومین خلیفه راشدین) دیده به جهان گشود. (5)  
این قول مبتنی بر این است كه وی به هنگام شهادت بیست و پنج ساله بود. در برخی روایات هم سن ایشان را 28 ساله ذكر كرده اند، وی در مكتب جدش امام علی بن ابی طالب (ع) و در دامن مهرانگیز پدرش امام حسین (ع) در مدینه و كوفه تربیت و رشد و كمال یافت.  
امام حسین (ع) در تربیت وی و آموزش قرآن ومعارف اسلامی و اطلاعات سیاسی و اجتماعی به آن جناب تلاش بلیغی به عمل آورد و از وی یك انسان كامل و نمونه ساخت و شگفتی همگان، از جمله دشمنانشان را بر انگیخت.  
به هر روی علی اكبر (ع) در ماجرای عاشورا حضور فعال داشت و در تمام حالات در كنار پدرش امام حسین (ع)بود و با دشمنانش به سختی مبارزه می كرد. شیخ جعفر شوشتری در خصائص نقل می كند: هنگامی كه اباعبد الله الحسین علیه السلام در كاروان خود حركت به سمت كربلا می كرد، حالتی به حضرت (ع) دست داد بنام نومیه و در آن حالت مكاشفه ای برای حضرت (ع) رخ داد، از آن حالت كه خارج شد استرجاع كرد: و فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون » علی اكبر (ع) در كنار پدر بود، و می دانست امام بیهوده كلامی را به زبان نمی راند، سئوال نمود، پدرجان چرا استرجاع فرمودی؟: حضرت بلادرنگ فرمود: الان دیدم این كاروان می رود به سمت قتلگاه و مرگ درانتظار ماست، علی اكبر (ع) سئوال نمود: پدر جان مگر ما بر حق نیستیم؟ حضرت فرمود: آری ما بر حق هستیم. علی اكبر (ع) عرضه داشت: پس از مرگ باكی نداریم.  
گفتنی است، با این كه حضرت علی اكبر (ع) به سه طایفه معروف عرب پیوند و خویشاوندی داشته است، با این حال در روز عاشورا و به هنگام نبرد با سپاهیان یزید، هیچ اشاره ای به انتسابش به بنی امیه و ثفیف نكرد، بلكه هاشمی بدون و انتساب به اهل بیت (ع) را افتخار خویش دانست و در رجزی چنین سرود:

أنا عَلی بن الحسین بن عَلی نحن بیت الله آولی یا لنبیّ

أضربكَم با لسّیف حتّی یَنثنی ضَربَ غُلامٍ هاشمیّ عَلَویّ

وَ لا یَزالُ الْیَومَ اَحْمی عَن أبی تَاللهِ لا یَحكُمُ فینا ابنُ الدّعی

وی نخستین شهید بنی هاشم در روز عاشورا بود و در زیارت شهدای معروفه نیز آمده است:السَّلامُ علیكَ یا اوّل قتیل مِن نَسل خَیْر سلیل. (7)  
علی اكبر (ع) درنبرد روز عاشورا دویست تن از سپاه عمر سعد را در دو مرحله به هلاكت رسانید و سرانجاممرّه بن منقذ عبدی بر فرق مباركش ضربتی زد و او را به شدت زخمی نمود. آن گاه سایر دشمنان، جرأت و جسارت پیدا كرده و به آن حضرت هجوم آوردند و وی را آماج تیغ شمشیر و نوك نیزه ها نمودند و مظلومانه به شهادتش رسانیدند.  
امام حسین (ع) در شهادتش بسیار اندوهناك و متأثر گردید و در فراقش فراوان گریست و هنگامی كه سر خونین اش را در بغل گرفت، فرمود:  
ولدی علی عَلَی الدّنیا بعدك العفا. (8) (فرزندم علی ،دیگر بعد از تو اف بر این دنیا (  
در مورد سنّ شریف وی به هنگام شهادت، اختلاف است. برخی می گویند هجده ساله، برخی می گویند نوزده ساله و عده ای هم می گویند بیست و پنج ساله بود. (9)  
اما از این كه وی از امام زین العابدین (ع)، فرزند دیگر امام حسین (ع) بزرگتر یا كوچك تر بود، اتفاقی میان مورخان و سیره نگاران نیست. روایتی از امام زین العابدین (ع) نقل شده كه دلالت دارد بر این كه وی از جهت سن كوچك تر از علی اكبر (ع) بود. آن حضرت فرمود: كان لی اخ یقال له علیّ اكبر منّی قتله الناس ... (10)  
مقبره حضرت علی اكبر علیه السلام در كربلای معلی پایین پای اباعبدالله الحسین علیه السلام است و در سلام زیارت عاشورا منظور از وعلی علی ابن الحسین ، آقا علی اكبر علیه السلام می باشد.

پی نوشت ها:

1. مستدرك سفینه البحار (علی نمازی)، ج 5، ص 388.
2. أعلام النّساء المؤمنات (محمد حسون و امّ علی مشكور)، ص 126؛ مقاتل الطالبین (ابوالفرج اصفهانی)، ص 52.
3. مقاتل الطالبین، ص 52؛ منتهی الآمال (شیخ عباس قمی)، ج 1، ص 373 و ص 464.
4. منتهی الامال ، ج 1، ص.
5. مقاتل الطالبین، ص 53.
6. منتهی الآمال، ج 1، ص 375؛ الارشاد (شیخ مفید)، ص 459.
7. منتهی الآمال، ج 1، ص 375.
8. همان.
9. همان و الارشاد، ص 458.
10. نسب قریش (مصعب عبن عبدالله زبیری)، ص 85، الطبقات الكبری (محمد بن سعد زهری)، ج 5، ص 211.  
    منبع: http://ashora\_emam.mihanblog.com